

مراحل شاخص مشاوره مسيحي
مرحله سوم: اهداف پاياني
فصل نهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نويسنده: جي آدامز
مترجم: شاهرخ صفوي

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل نهم

با دو متقاضی چکار باید کرد؟

بسیاری از موارد مشاوره ای که خواهید داشت، با زن و شوهران متاهل، والدین و فرزندان، و افرادی که نیاز به مصالحه و آشتی دارند، خواهد بود. حال ببینیم آنچه تابحال در مورد یک متقاضی گفته ایم، ربطی به ”دو“ متقاضی پیدا می کند یا نمی کند. می توان گفت اکثر اصولی که گفته شده مربوط به دو متقاضی یا بیشتر نیز میگردند. بعنوان مثال، اگر زن و شوهری تفرقه ایجاد کرده باشند، تمام آنچه در فصل قبل صحبت از آن کردیم، ربط پیدا می کند. همچنین در خصوص اشخاصی که می خواهند مشاوره را زودتر یا دیر تر از موعد به پایان رسانند نیز می تواند ربط پیدا بکند. اساس اصول حاکم بر همه یکی است.

البته فرق های مهمی نیز وجود دارند که لازم است راجع به آن ها صحبت کرد. یک مورد، تفاوت واکنشی است که یک متقاضی با دیگری دارد، بصورتی که اولی زودتر از دیگری مرحله پایانی را به اتمام می رساند. در چنین صورتی چکار باید کرد؟ مشاور مجبور خواهد شد با چنین مسائلی روبرو شده و حل کند.

ابتدا در مورد متقاضیانی که سرعت پیشرفت هر یک مختلف است، باید بخواهید هر دو تا پایان کار، به جلسات ادامه دهند. متقاضی که سرعت بیشتری را داشته و برداشت کاملتری را بدست آورده، حال می تواند یار متقاضی دیگر باشد. آموزشی که در امر محبت بدست می آورد، لازم است در پرتو نیازهای متقاضی دیگر ادامه یابد. هر یک در خانواده ای رشد کرده ایم، و روزگاران را حال در خدمت و بنای خانواده تازه ای می گذرانیم. جلسات مشاوره می توانند بهترین موقعیت را برای آموزش و تربیت جمعی افراد فراهم سازد. از این فرصت ها باید کمال استفاده را برد.

اگر بعنوان مثال، میز مشاوره خانوادگی به کار گرفته شده، لازم است همه افراد حضور داشته باشند تا برنامه ای که دارد، انجام گیرد (حال چه برنامه تنها مربوط به آنچه یکی از حضار لازم است انجام رساند باشد یا نباشد). هر دو باید در جریان کار باشند. به این شکل است که سوء تفاهم و تدلیس عمدی نیز خنثی می گردد.

اگر یکی از طرفین جلسه مصالحه حاضر به آشتی هست و دیگری نیست، هر دو باید حضور داشته باشند تا مصالحه انجام گیرد. منظور انجام خواست خدا در این مصالحه است که باید بر صدر همه اهداف دیگر باشد. علاوه بر این، اگر خیالتان این است که استحکام و مقاومتی را نیز در این رابطه بوجود آورید، نیاز به حضور هر دو دارید تا رابطه جدید استحکام جمعی خود را بگیرد.

امیدوارم با چند مثالی که آوردم برایتان مشخص شده باشد که متقاضیان به جایی خواهند رسید که نیاز به همکاری و یاری یکدیگر دارند، و در این میان است که خداوند کارش را به کمال می رساند. رابطه با خدا شامل رابطه با دیگران می گردد (به عبارتی می توان گفت: کلمه جسم می پوشد).

یکی از راه های توبه یک متقاضی، یاری متقاضی دیگر است، که نتوانسته تا بحال آنچه لازم است را انجام رساند. اگر توبه کار، بتواند تشویق و یا کمکی به او برساند، نه تنها خود در این راه آزموده می شود، بلکه شما را در جریان کار مشاوره نیز یاری کرده است. کلام خدا در این مورد کاملاً مشخص صحبت کرده:

۲۴: و در فکر آن باشیم که چگونه می توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم.

راه خدا آن نیست که هر گاه نیاز های خودمان برآورده شد، کنار بکشیم و راه خودمان را دنبال کنیم. در بسیاری از موارد لازم است این توضیحات را به متقاضیان بدهید. راه خدا راه همکاری و همراهی است که شامل ابراز محبت می گردد. اصول حاکم در همه جا یکی هستند. از تکرار این حقایق قافل نمانید. زندگی مسیحیان شامل محبت و ابراز آن است، بگونه مختلفی که زندگی ما را بنا ساخته و خواهد ساخت.

ممکن است یک متقاضی از خود تعریف کند که توانائی انجام خواست خدا را تا بحال داشته، و خود را در قیاس با دیگری قرار دهد. باید نشانه های وقوع چنین موقعیتی را بشناسید و در محبت او را از خود محوری که بدست آورده آگاه کنید و او را از آن منجلا بپروان کشانید و نظرش را متمرکز دیگری نمائید. بیاد او بی آورید که اگر فیض خدا در کار نباشد، هیچ کاری بطور صحیح انجام نمی گیرد. فیضی که دریافت کرده ایم ما را فروتن می سازد، و خلاف دورویی که در فریسی بود که به خود دعا می کرد، عمل می کند(۱):

لوقا ۱۸

۹: آنگاه برای برخی که از پارسایی خویش مطمئن بودند و بر دیگران به دیده تحقیر می نگریدند، این مثل را آورد:

۱۰: «دو تن برای عبادت به معبد رفتند، یکی فریسی، دیگری خراجگیر.

۱۱: فریسی ایستاد و با خود چنین دعا کرد: "خدایا، تو را شکر می گویم که همچون دیگر مردمان دزد و بدکاره و زناکار نیستم، و نه مانند این خراجگیرم.

۱۲: دو بار در هفته روزه می گیرم و از هر چه به دست می آورم، ده یک می دهم."

۱۳: اما آن خراجگیر دور ایستاد و نحواست حتی چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند، بلکه بر سینه خود می کوفت و می گفت: "خدایا، بر من گناهکار رحم کن."

در صورتی که شخصی تنها بعنوان شاهد معرفی شده، پس از اراعه شهادت های خود آزاد است جلسات را ترک کند. اما در صورتی که بخواهد در جلسات بماند (به دلیل نیاز به رشد روحانی)، می توانید جلسات مشاوره جدیدی را به نام او، بنا سازید، ولی نمی توان به حضور او ادامه داد. نباید موارد شخصی کسی را با دیگری ادغام کرد. همانگونه که نمی توان تمام مواردی که مسعله خشم را در میان دارند با هم ادغام کرد، چون هر شخص خشم خاص خود را دارد؛ نمی توان کسی را به جلسات مشاوره افزود.

حال موردی را در نظر بگیرید که در آن یک متقاضی خشم گین شده و نمی خواهد به مشاوره ادامه دهد، ولی دیگری می خواهد ادامه دهد (این موارد بیشتر در متقاضیان زن و شوهر پیش می آید). در این صورت لازم است ببینید چه کمکی می توانید به آنکه می خواهد بماند بکنید. خواست خدا برای او این نبوده؟ خدا فرزندانش را دور خود جمع می کند، نه از هم پراکنده. او را باید در ادامه به جلسات مشاوره تشویق و تحسین نمائید. در این صورت امیدی برای موفقیت مشاوره نیز، خواهد داشت. از جانب متقاضی که می خواهد جلسات را ادامه دهد، لازم است راجع به اختلاف هائی که بجای مانده مشورت کنید و در راهی که خدا برای اصلاح آن فراهم ساخته با او صحبت کنید و راه را نیز با او ببیمائید. در این خصوص شما در این رابطه شاهد بوده اید و برداشت های شما نیز معطوف بر جریان بوده. در نتیجه، ابتدا باید به آنچه تازه گذشته رسیدگی کنید و راهی

برای ادامه روابط محبت آمیز، میانشان فراهم سازید. اما آنچه مربوط به رابطه قبلی بود را باید از صحنه مشاوره دور کنید، چون آنچه قبلاً بوده آلت دست شیطان گردیده، و حال باید با آنچه از خدا است، مد نظر گردد. بیادش آورید، که حال، همه چیز عوض شده و لازم است روابط نیز تازه بگردد.

نمونه های بسیاری از مواردی که شامل دو متقاضی می باشند وجود دارند، و نمی توان راجع به همه صحبت کرد. آنچه عموماً مربوط به همه می شود، با تعدادی از خصوصیات مشترکی که دارند را در این فصل مورد بحث قرار داده ام. امیدوارم بتوانید همیشه اصول و اساس کلام را حاکم و ابتدا، مورد نظر قرار دهید، و سپس آنچه مربوط به هر دو می شود را بررسی کرده و جامع عمل ببوشانید. روابط میان مسیحیان از عمده خصوصیات خدا است. در آن کوشا باشید.

فهرست زیر نویس های فصل نهم

(۱) همچنین به آیات زیر مراجعه کنید:

فیلیپیان ۱

- ۳: هر گاه شما را به یاد می آورم، خدای خود را شکر می گویم
- ۴: و همواره در همه دعاهایم برای همگی شما شادمانه دعا می کنم،
- ۵: زیرا از روز نخست تا به امروز، در کار انجیل شریک بوده اید.
- ۶: یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید.

غلاطیان ۶

- ۳: زیرا اگر کسی خویشتن را فرد برجسته ای پندارد، در حالی که به واقع کسی نباشد، خود را فریب می دهد.
- ۴: هر کس باید اعمال خود را ببازماید. در آن صورت فخر او به خودش خواهد بود، بی آنکه خود را با دیگران مقایسه کند.

راه این دنیا این است که مردم را در مقایسه با هم قرار می دهد. جامعه شناسی نیز اصول خود را بر تراز جمیع آمار و ارقام، بنا ساخته و با اصل حاکمیت خدا مقایرت دارد. بسیاری از مسائل میان فردی نیز بخاطر همین مقیاس ها است که ایجاد می گردند. مقایسه را نادیده نگیرید (در صورتی که افشا شد)، و بگونه صحیح، در محبت، آموزش های خدا گانه (آیات کلام خدا) را بدهید.